د) کم کردن بازه نصف لیل تا ظهر از یک ماه، و کم کردن ظهر تا نصف لیل دیگر از ماه بعدی

یعنی یکی از راه‌هایی که اغمض از این راه است که الآن عرض کردم، این است: شما از نصف شب تا ظهر را به یکی کم کنید و از ماه بعدی از ظهر تا نصف شب بعدی را کم کنید. این هم یک راه است. و همینطور قابل توضیح است. می‌بینید راه‌های ثبوتی چقدر ممکن است. خدای متعال برای اینکه به همه اینها نظم بدهد، در این سه حرکتی که در خلق خودش قرار داده، تشریعا و ثبوتا گزینه‌های عددی دارد که منافع هر کدام در علم الله تعالی معلوم است، آن مفاسد خارجیه و عسر اجتماعی هم معلوم است. خیلی از این راه‌ها هست که برای عموم عرف عسر دارد. شارع آن را قرار نداده است.

حرکت توسطی خورشید و قمر

شاگرد: این را که فرمودید برای مقارنه تا مقارنه است؟

استاد: نه، برای هلال تا هلال گفتم.

شاگرد: هلال تا هلال که بیست و نه روز و دوازده ساعت نیست.

استاد: نوعاً و حدوداً همین است. تفاوت دارد. پارسال هم جزوه‌ای دادی و آوردم و خواندم. ولی حدوداً یکی هستند. یعنی از مقارنه تا مقارنه ثانیه میدهیم، اما ثانیه متوسط. ثانیه هر ماه را که باید محاسبه کنیم. اینطور نیست که هر ماه، بیست و نه روز و دوازده ساعت و چهل و چهار دقیقه باشد. بلکه برخی از ماه‌ها هست که به جای دوازده ساعت، بیست و نه روز و شش ساعت است. برخی از ماه‌ها هست که به جای دوازده ساعت، شانزده ساعت دارند؛ یعنی بیست و نه روز و شانزده ساعت است. یعنی آن لحظه مقارنه با محاسبه دقیق متفاوت می‌شوند.

مثل ساعتی که الآن برای حرکت متوسط شمس با حرکت خارجی شمس می‌گوییم. حرکتی که شمس در آسمان دارد را اگر دوربین بگذارید، در همه ایام سال برابر نیست. در تابستان حرکت شمس در آسمان کندتر است تا زمستان. در زمستان سرعتش زیادتر است. زمستان برای ما در نیم کره شمالی به این صورت است. چون شمس نسبت به ما در حضیض قرار می‌گیرد.

شاگرد: فرق نمی‌کند.

استاد: بله، حضیضش فرقی نمی‌کند. اوج و حضیض شمس برای کل کره است. مرئی با واقعیتش مخلوط شد. بله، درست می‌فرمایید. مرحوم شیخ در تشریح الفاظ «تعدیلات» می‌فرمودند؛ تعدیلات این است که ما شمس را با حرکت متوسط در نظر می‌گیریم. یعنی یک تعدیلی داریم که تعدیل تقویم است؛ می‌خواهیم حرکت سالیانه شمس را بگوییم. یکی هم حرکت توسطیه شبانه‌روز است. یعنی یک حرکت متوسط برای ساعت شبانه‌روز داریم و یک حرکت متوسط برای حرکت سالیانه شمس در منطقة البروج داریم. دو تعدیل است. تعدیلی که هر کدام سر جای خودش درست است.

اینکه الآن عرض می‌کردم تعدیل شبانه‌روزی حرکت شمس بود. یعنی بعضی وقت‌ها در فلک تندتر می‌رود. بعضی وقت‌ها کندتر می‌رود. آن وقتی که در حضیض است، آن فاصله‌ای که می‌خواهند طی کند را تندتر می‌رود. در برخی از جاها هم کندتر می‌رود. چرا؟ در علم الآن به مناظر و مرایای مربوط می‌شود، در علم قدیم هم نگاه ما دخالت می‌کند. اوال شمس در ممثل خودش متوسط و متشابه می‌گردد. چون حاوی و محوی دارد، نسبت به زمینی که در مرکز فرض می‌گیرند، به نظر می‌رسد که کند می‌شود. و حال اینکه کند نبود. مرحوم شیخ بهائی شکل اینها را کشیده بودند، در تقویم و شمس اینها را توضیح دادند.

منظور من این است: وقتی ماه می‌گوییم، خودش یک حسابی دارد. اما منظور ما متوسط است.

> 23:50

شاگرد: متوسط هلال تا هلال هم همان است؟

استاد: بله، حدوداً همان است. یعنی وقتی ماه از مقارنه در می‌شود، تا از تحت‌الشعاع بیرون بیاید، برای اصل کل کره یک فاصله‌ای دارد. مثلاً مرحوم خواجه فرمودهاند زیر هشت درجه نمی‌توان هلال را دید، بالای یازده و دوازده درجه هم قطعاً می‌توان دید. به نظرم این جور بود. یک ماکسیمم و مینیمم در نظر می‌گیریم. فرمودهاند زیر هشت درجه نمی‌شود. البته بعد گفته‌اند می‌شود. قبلاً خواندم که آقای تهرانی فرموده بودند «من المستحیل» که بتوانند تعیین کنند. ولی می‌خواهم عرض کنم حدوداً به این صورت است که هلال تا هلال هم همین است. علی ای حال به این صورت است که باید دوازده ساعت را جبران کنیم که در کل سال دوازده نصف روز می‌شود. راه جبران آن به چیست؟ انواع و اقسامی از راه‌ها را دارد. یکی عرض کردم عدد بود، رؤیت بود، زوال بود، نصف شب بود، یکی هم خود شب و روز بود. شب را به این ماه بدهیم تا بشود سی روز و بیست و نه شب، یا بشود بیست و نه روز و سی شب. اگر به این صورت تا آخر سال ببری این شش روز جبران می‌شود.

فرض غیم در کل سال

لذا ایشان که می‌فرمایند اخبار متواتره به این صورت است، شارع مقدس برای تنظیم این شش روز در کل سال، یک راهی که اسهل الطرق است را بیان کرده و آن ایکال به رؤیت است؛ وقتی خودتان در طول سال به رؤیت مراجعه کردید شش روز کم می‌آید. چون در روز بیست و نهم خواهید دید. چاره‌ای غیر از این ندارید.

البته بحثی هم بود که برخی از فقها گفته بودند اگر کل سال ابر بود، آن وقت دوازده تا سی روز، بگیرید. عدهای گفته بودند می‌شود یا نمی‌شود. یک قول بود. در جواهر نگاه کنید. خُب از

آن‌هایی است که گاهی گفته می‌شود ولی عملاً پیاده نمی‌شود، فقط در فضای علمی گفته شده. یادم نیست صاحب جواهر از این قول چه جوابی دادند. علی ای حال این چیزی نیست که بگوییم «غمّت الشهور»، لذا سی روز روزه بگیرید؛ نمی‌شود، چون خلاصه ما شش روز کم داریم.

ایام هفته و محاسبه کبیسه در تاریخ بشر

راجع به ماه شمسی و قمری هم عرض کردم؛ بحارالانوار را خواندیم مطالب جالبی داشت. فرس، ایام هفته ندانشتند؛ از کسانی که هفته ندانشتند فرس بودند. فقط دوره‌های آن‌ها ماه‌یانه بود. بعضی از آقایان شوخی می‌کردند که آن‌ها حمام نمی رفتند؟! خُب هفتگی حمام می‌روند! برای آن‌ها ماه‌یانه بود. خیلی عجیب است. ولی بسیاری از کسانی که در کره زمین بودند هفته داشتند. اما کسانی که تابع شریعت بودند که هیچ مشکلی ندارد که هفته داشتند؛ ایام اسبوع را دارند. فقط در نام گذاری ایام اسبوع به چیست، اختلاف داشتند؛ خورشیدی و ماه و ...؛ «Monday»، «Sunday» و ...؛ تیری و مشتری و مریخ و ... را به ترتیب می‌گذاشتند. در عرب که «الاحد، الاثنین و ...» هست. در جاهای دیگر هم همینطور است. علی ای حال این عدد هفت بوده. مقابلش کبیسه ای است که در سال شمسی آمد؛ مطلب جالبی در بحارالانوار بود که سابقه خلفای عباسی آن را عرض کردم. بعد هم برای بعد از انقراض بنی العباس بود که مرحوم مجلسی آن را توضیح دادند. با این حساب چیزی که می‌خواهم عرض کنم این است:

بازبینی #1
ایجاد شده 30 آوریل 2026 11:12:00 توسط ... .
به روزرسانی شده 30 آوریل 2026 11:14:04 توسط ... .